

اگر انسانیت یک امر تشکیکی است ما را متوجهی عین‌الانسان می‌کند

شماره پرسش: ۱۴۷۷۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ ۰۱:۲۲:۴۵

متن پرسش

با سلام: حضرت استاد فرمودید که یک مقام واسطه ای در عالم هست که بالاتر از عقول است و عین انسان است. سوال ۱. خب نفس ناطقه ائمه (ع) و پیامبر (ص) هم باید از عین انسان انسانیت خودشون رو بگیرن چون ظاهرا از بدو تولد تمام فعلیت ها رو ندارن آیا اینطوره؟ سوال ۲. با فرض قبول عین انسان میتونیم اینطور بگیم که این حقیقت همون مثل افلاطون یا ارباب انواع شیخ اشراق باشه نه بالاتر. سوال ۳. علامه طباطبایی ارباب انواع رو در نهاییه الحکمه رد میکنه و میگه عقول برای پرورش انسان کافیهست و چون تمام کمالات رو هم چون داره میتونه افاضه کنه و احتیاج به وجود عین انسان به اون شکل خاص نیست. سوال ۴. آیا عین انسان که می فرماید فقط تجلیات معرفتی میکنه یا وجود دادن و ایجاد هم از اوست؟ و اگر هر دو مورد رو انجام میده که ظاهر حرفتون اینه خب همه انسان ها تجلیات عین انسان باید باشن هم وجودا و هم معرفتا. و تفاوت نبی با فرد امی فقط در تشکیک تجلیات معرفتی هست. آیا اینطوره؟ سوال ۵. فرمودید کل عالم ماده که ما می بینیم تجلی حرکت هست یا تجلی همون جوهر که عین حرکتی اما در برهان صدیقین فرمودین که عالم ماده چون پایین ترین عوالم هست نمیتونه تجلی وجودی داشته باشه این ۲ چطور قابل جمعه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- ائمه «علیهم‌السلام» در همان ابتدای امر با مقام عین‌الانسان متحدند و تلاش‌ها و عبادات آن‌ها برای حفظ آن اتحاد است ۲- اشکال ندارد که به یک معنا بگوییم عین‌الانسان به معنای مُثُل باشد، ولی در آنجا مباحث، ابهامات زیادی دارد که کار را با مشکل روبه‌رو می‌کند ۳- در هر حال اگر انسانیت را یک امر اعتباری قلمداد نکنیم، چون یک امر تشکیکی است ما را متوجهی عین‌الانسان می‌کند ۴- مسلم عین‌الانسان واسطه‌ی فیض است ولی به اعتبار عین‌الانسان بودنش در انسانیت ما به ما مدد می‌نماید ۵- عین حرکت در پایین‌ترین از مرتبه‌ی وجود است و پایین‌تر از آن، مرتبه‌ای نیست که تجلی معنا داشته باشد. موفق باشید